

عشق در زمستان

آغاز می شود

(چهار داستان)

سایمن ون بوی

ترجمهدی عرفان مجتبی

برندۀ جایزه‌ی فرانک اکانر

(۲۰۹)



هیوند

این اثر طی توافق با نویسنده و طبق قانون بین‌المللی
حق انحصاری نشر، ترجمه و منتشر می‌شود.

It is with sincere joy that I write this preface introducing the first ever translation of my work into Persian. I am extremely grateful to Erfan Mojib, without whom you would be looking blankly at the palms of your hands.

I was first seduced by the poetry of Iran many years ago when someone at a book reading handed me a book of poems by Hafez, the fourteenth century poet from Shiraz. His work is written simply enough to be appreciated and loved by a child, but is simultaneously so rich and layered that not even a lifetime is enough to plumb its depths.

فهرست

For many years I have also fostered a deep love of Iranian architecture, the miracles that are Naqsh-e Rustam, Si-o-se-pol Bridge (where at night your happiness or sadness divides by reflection), Naranj-e Jame' Mosque, and Persepolis Takht-e Jamshid, (built by paid and not slave labor as was customary at that time). The breathtaking geometry of Persian architecture has long brought me comfort, for like life, there is an implicit

..... مقدمه‌ی اختصاصی نویسنده برای ترجمه‌ی فارسی
..... pattern of unity, order and balance.

۱۱ عشق در زمستان آغاز می‌شود
۹۱ مجسمه‌های گم شده
۱۱۵ My beloved brother is also under the spell of Persia, though his taste is more of a oriental nature, and takes me right back to the days of the Sogdians
۱۶۱ شهر درختان توفانی
۲۱۳ In the words of Hafez then, let me admit that I am a Sogdian at heart
 درباره‌ی نویسنده

این ایام پنهانه کلی می‌شترد. همکاری سمعه خوب تر لطف نمایندگی از این ایام است. ناچیز هم این ایام را می‌گذرانند و هر چند همه چیز در میان اتفاقات بزرگی این دنیا می‌گذرد، این آیه بسیج نیاز ندارد. ولی این آیه از این ایام برخواهد. ممکن است این آیه بزرگی داشته باشد، اما این ایام می‌توانند این آیه را بزرگ نگیرند. این آیه از این ایام برخواهد. ممکن است این آیه بزرگی داشته باشد، اما این ایام می‌توانند این آیه را بزرگ نگیرند. این آیه از این ایام برخواهد. ممکن است این آیه بزرگی داشته باشد، اما این ایام می‌توانند این آیه را بزرگ نگیرند. این آیه از این ایام برخواهد. ممکن است این آیه بزرگی داشته باشد، اما این ایام می‌توانند این آیه را بزرگ نگیرند.

یک

لهم من سلمی اینه که به مولتیست بسته من ایمان ایمانی بخواهی لهم من دوستی لی پاچی
در سایه‌ها منتظرم.

ویولن سلم الان روی صحنه است. ویولن سلمی که سال ۱۷۲۳ در دامنه‌ی تپه‌ای در جزیره‌ی سیسیل ساخته شد، جایی که دریای بسیار آرامی دارد. زه‌های ویولن سلم به لرزه می‌افتدند وقتی آرشه نزدیک شان می‌شود. در انتظار معشوق شان باشند انگار.

نامم برونو بونت^۱ است. پرده‌ای که پیش‌ش می‌ایستم هم‌رنگ آلو است. از جنس محملی ضخیم. اما زندگی من در آنسوی دیگر است. بعضی وقت‌ها آرزو می‌کنم کاش زندگی بدون من ادامه پیدا می‌کرد. این جا در شهر کِیک صحنه زیادی روشن است. هنگامی که مجری برنامه دارد مرا به زبان فرانسوی کانادایی معرفی می‌کند، ستاره‌هایی از غبار، گوشی و مارپیچ دسته‌ی ویولن سلم را احاطه می‌کنند. ویولن سلم پیش‌تر مال پدربرزگم بود که تصادفی در جنگ جهانی دوم کشته شد. صندلی آشپزخانه‌ی پدربرزگم هم روی سن است. فقط می‌توانم